

عیسی در اورشلیم است. زمان عید پصح است.



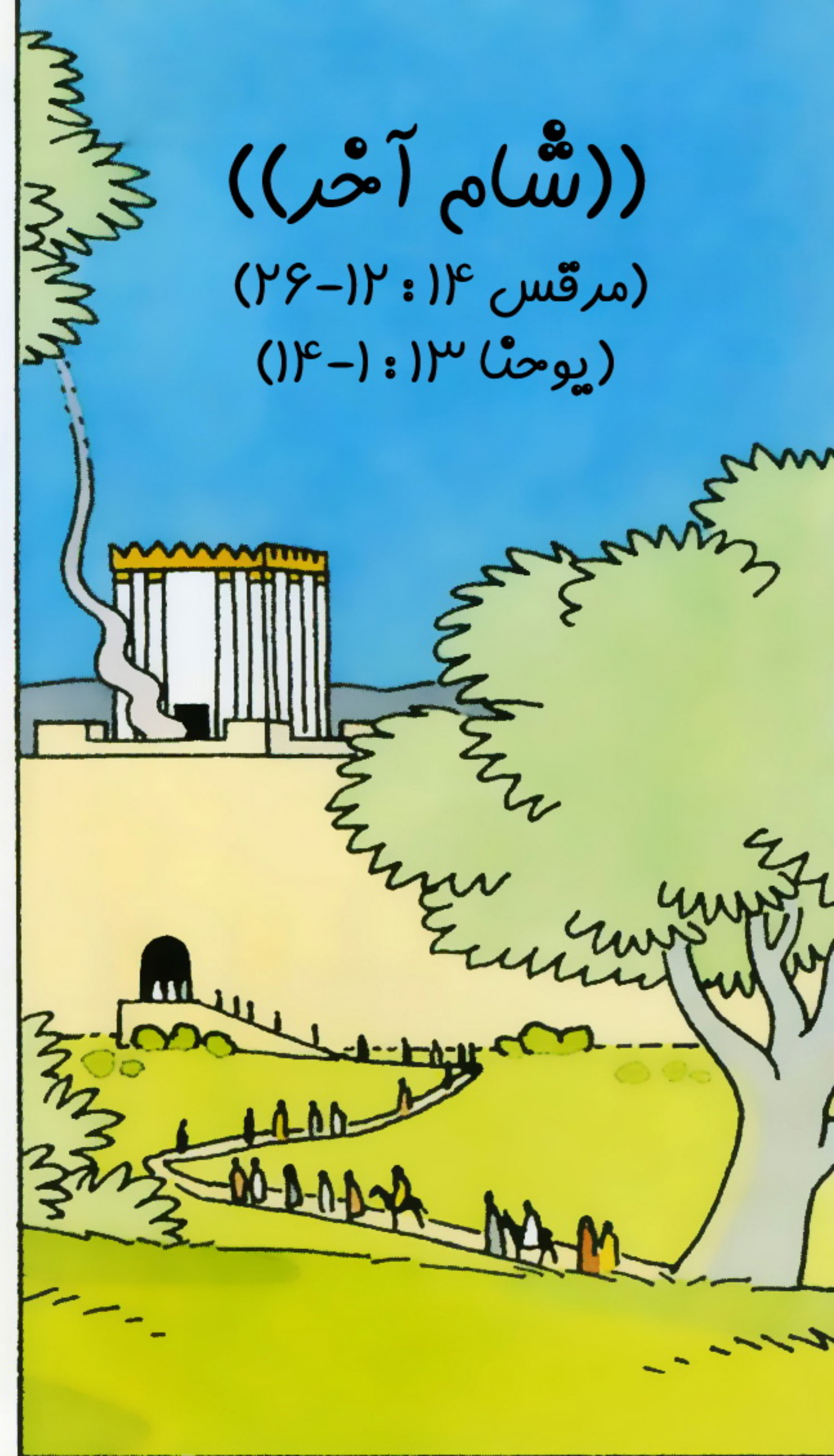
به شهر بروید: مردی را که کوزه ای
آب پا خود می برد را خواهید دید. به
دنیال او بروید ...

در کجای می خواهی که ما شام
پصح را آماده کنیم؟

((شام آخر))

(مرقس ۱۴: ۱۲-۲۶)

(یوحنا ۱۳: ۱-۱۴)



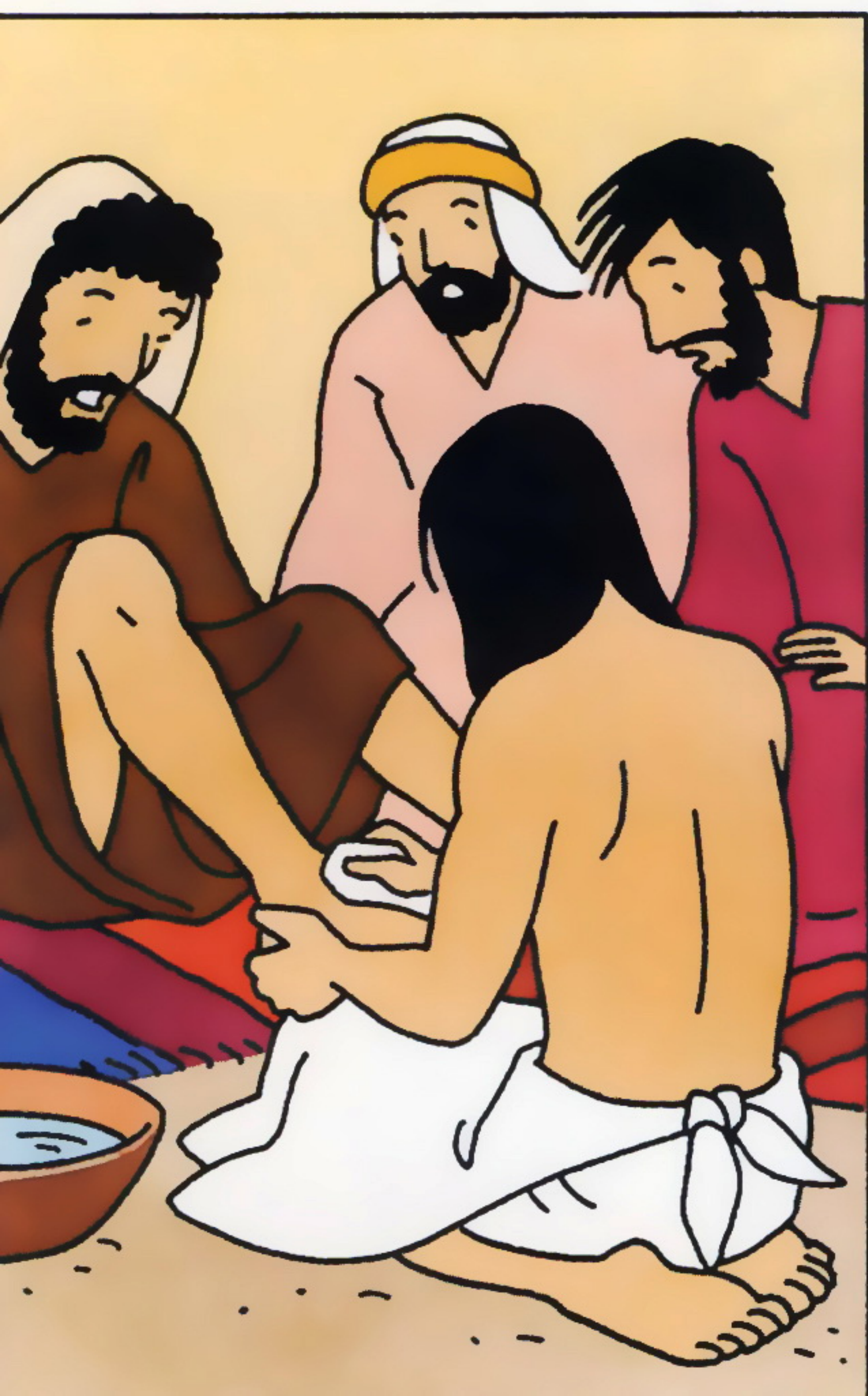
شاگردان همه چیز را آماده می کنند. و هنگامی که شب شد، عیسی به همراه
دوازده رسولش می رسد.



اتاق برای خوردن خوراک
عید پصح کجاست؟



پیش از جشن گرفتن پصح، در حالی که می دانست
که خواهد مرد، عیسی دوستانش را تا به آخر محبت
می کند.



اگر پاهای ترا نشویم تو سهمی
با من نخواهی داشت...



تو پاهای مرا نخواهی شست!
نه، هرگز!



پطرس، تو حالا آنچه که من می خواهم
انجام دهم را نمی فهمی؛ اما بعدا
خواهی فهمیدی.



تو، ای خداوند، تو
می خواهی پاهای مرا
بشویی!

شما من را "استاد" می نامید، و من پاهای
شما را شستم؛ شما هم همانطور که من به
شما کردم بکنید.



پس، ای خداوند، نه تنها پاهای
بلکه دستها و سر مرا نیز بشوی!

هنگامی کسی که تازه شستشو کرده،
نیازی به شستن خود ندارد!



به هنگام غذا، عیسی نان را می گیرد، به آن برکت داده و در میان رسولانش تقسیم می کند.



پگیرید و از این بخورید،
این تن من است...

پس از سراییدن مزامیر،
آنها به کوه زیتون می روند.



این راه یاد من انجام
دهید...



سپس جامی پر از شراب را می گیرد.



پگیرید و بنوشید، این
خون من است...